

دکتر خسرو فرشیدورد

بحثی در باره جمله و جمله‌های مرکب

متعلق است به «مردی» که اسمست و در واقع «مردی» موصوف و «دیروز میخندید» صفت آنست و جمعاً با هم يك گروه اسمی می‌سازند که مسندالیه جمله واره پایه (مردی به سفر رفت) است. اسم یا گروه اسمی که جمله واره توضیحی دارند توضیح شده یا مورد توضیح می‌نامیم.

جمله واره توضیحی معمولاً بلافاصله بعد از «که» موصول که پس از اسم یا گروه اسمی واقع شده است قرار می‌گیرد و بنابراین بین اجزاء جمله واره پایه واقع میشود مانند مثالی که دیدیم اما اگر قصد ما توجه به جمله واره پایه باشد جمله واره توضیحی را در آخر جمله واره پایه جای می‌دهیم مانند «مردی که امروز به سفر رفت که دیروز میخندید».

پیروهای توضیحی (اسمینه، اصاه) خود بردو قسمند: ۱- وصفی ۲- اسمی - جمله واره‌های اسمی نیز خود بر چند قسمند: مضاف الیه، بدلی، تفسیری.

پیرو توضیحی وصفی

پیرو توضیحی وصفی یا پیرو وصفی آنست که تأویل به صفت یا گروه وصفی شود مانند «کلاهی که خریدم زیبا بود» یعنی کلاه خریده شده زیبا

بود (۱). چنانکه دیده میشود اسم صفت آن جمله واره است یائی در آخر دارد که میتوان آنرا بای موصول یا بای معرفه نامید این «ی» با بعضی از گروههای اسمی نیز می‌آید از آن جمله است با بعضی مضاف و مضاف‌الیه‌ها و صفت و موصوفها مانند زنگ مدرسهای که دیدی خوش صدا بود، کتاب سبزی که داری زیباست، کتاب فیزیکی که من دارم خوبست. خانه‌گلی که چهارطاق دارد متعلق به اوست.

این «ی» به آخر اضافه‌های بیانی و توضیحی و تشبیهی نیز می‌آید. مثل لب لعلی که او دارد، شهر شیرازی که من دیده‌ام. در این موارد شرط اینست که مضاف‌الیه اسم خاص و ضمیر و کلماتی که «ی» موصول نمی‌گیرند نباشد. این «ی» به آخر بعضی از مضاف‌الیه‌ها و گروههای اسمی و اسمها نمی‌آید. اینک به ذکر این موارد می‌پردازیم.

۱- با بعضی از گروههای اضافی بخصوص در اضافه‌های ملکی و تخصیصی و مصدری و اسم مصدری مانند:

خانه آن مرد که چهار اطاق دارد محکم است. خانه هوشنگ که زیباست مورد علاقه همه است. رفتار آن مرد که زننده بود مرا بیزار کرد. لشگری به برادر او داده بودند که میخواست در جشن بزرگی یکی از بزرگان را بقتل برساند (تلماک ص ۳۵). چنانکه از مثالهای فوق برمی‌آید در این موارد گاهی به

۱- پیروهایی که با این گروهها می‌آیند نیز پیرو صفتند بطوری که، بنحوی که، بشکلی که، آنطور که، با وجودی که، به نوعی که در حالی که در قدی که، به طریقی که به اندازه‌ای که، هر که، تا حدی که، هر قدر که

جای «ی» آخر پیش از مضاف الیه آن می آید مانند «لباس آن مرد که از کتان بود زیباست».

گاهی «ی» به آخر گروه مضاف الیه می آید و جمله وارده صفت مضاف الیه است نه صفت گروه مانند «خانه مردی که او را دیدی زیبا بود» که «او را را دیدی» متعلق به «مردی» است نه به «خانه مرد».

۲- با آن ، آنان ، هر کدام ، هر يك ، هر چه ، يك لحظه ، يك دقیقه ، دیشب دیروز ، امروز و همچنین با ضمایر و اسمهای خاص .

مثال : من که در صورت خاصم خبر از عامم نیستم ، او که ترا دوست دارد بتو خیانت نمی کند ، هوشنگ که بتو خدمت کرده است برادر من است ، آنانکه خاک را بنظر کیمیا کنند ، هر چه به او گفتم گوش نکرد ، آنچه شنیدی فراموش کن ، دیشب که بارون اومد ، امروز که به اداره میرفتم ، هر کدام را که میخواهید انتخاب کنید ، اگر منفصل از دو جزو بود و استثناء کنی از عین هر کدام که باشد نتیجه آوردن نفیض دوم را (دانشنامه علائی رساله متطقی ص ۸۲ تصحیح دکتر معین) .

اما «ی» موصول (معرفه) در این موارد هم ممکنست ذکر شود و هم حذف :

۱- هنگامی که موصوف باهر ، آن ، همان ، اعداد اصلی ، اعداد ترتیبی ، چند و مانند آنها همراه باشد و گروهائی بوجود آورد از قبیل : هرجا ، آنجا ، آن چیز ، هر چیز ، هر کس ؛ آنکس ، همان کس ، همان شخص ، همان مرد ، هر روز ، هر سال ، هر شب ، هر صبح ، همان کتاب ، هر نوع هر شکل ، آنطور ، آن قسم ، همانطور ، هر طرف ، هر سو ، هر شب ، هر روز ، آنها

مثال «هر کس که درس بخواند موفق می شود» یا «هر کسی که درس بخواند موفق میشود». «هر آنکس که دندان دهد نان دهد» یا «هر آنکسی که دندان دهد نان دهد». «چند سال که گذشت» یا «چند سالی که گذشت» «سومین روز که گذشت» یا «سومین روزی که گذشت»: «پنج روز که در این مرحله مهلت داری» یا «پنج روزی که در این مرحله مهلت داری» در این موارد: «اولین کاری که کرد» «کتاب سومی که خرید» یا «قهرمان در هر کار که پیش آید فتح و کامیابی نصیب اوست». (تاریخ ادبیات انگلیسی از دکتر صورتگر ص ۱۱۸). البته آخر این گروهها هنگامی «ی» موصول میگیرند که از ضمایر و اسمهای خاص و کلماتی که ی نمیگیرند نباشد بنابراین نمیتوان گفت هر آنی که، چنانی که (در قدیم چندانی که آمده است).

۲- در بعضی جمله های معترضه مانند سعدی که درود بر او باد - دی پیر میفروش که ذکرش به خیر باد که میتوان گفت:

«سعدی که درود بر او باد» گاه علوم آن و پیر میفروشی که ذکرش به خیر باد
یادآوری ۱- گاهی موصوف جمله وار و صفتی حذف می شود و معنی آن از بقیه اجزاء سخن استنباط می گردد و آن در «هر که» و «ای که» است
 مثال: هر که خواهد گویا و هر که خواهد گو برو. «هر که» در اینجا یعنی «هر کس که» یا «هر آنکو». ای که در نعمت و نازی به جهان غره مباش یعنی «ای آنکه» یا «ای کسی که».

یادآوری ۲- در دستورهای قدیم «چه» را در گروههایی مانند هر چه و آنچه موصول نوشته اند در حالی که چه در این موارد است و به معنی «چیزی» که و «آنچه» یعنی «آن چیز که» در این موارد موصول «که» غالباً حذف می شود

مانند هر چه دیدی از چشم خودت دیدی . و ملك را فریفته نمی شاید بود بد آنچه گوید او لطمه منست (کلیله و دمنه تصحیح مینوی ص ۹۷ چاپ اول) .
گاهی نیز موصول ذکر میگردد ولی حذف آن بهتر است .
من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق

چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه که هست

حافظ قزوینی ص ۱۸

یادآوری ۳- که موصول یا که توضیحی حذف نمی شود مگر در مواردی

خاص و آن هنگامیست که با گروهها یا کلمات پر استعمال بیاید مانند هر کس و هر جا .

حذف که در قدیم بیشتر بوده است بخصوص هنگامی که بین جمله توضیحی

و مورد توضیح فعل فاصله میشده است در این موارد جمله پیرو به صورت

و صفی و قیدی آمده است . مانند : طمروسیه را دید که پیش داراب آمده بود

بدست جام شراب گرفته (دارابنامه طرطوسی ص ۱۰۴ ج ۱) بدون که آمده است

داراب و طمروسیه چون نگریستند استخوانی دیدند از آن ماهی افتاده (را بنامه

طرلوس ص ۱۲۹) . اتفاقاً در آن میان جوانی بود میوه عنفوان شبابش نورسیده

(کلیات ص ۱۳ ص ۱۶ چاپ معرفت) .

گاهی نیز در شعر که بدون آنکه فعل و جمله پیرو توضیحی و صفی باشد

حذف میشده است .

دوش بر یاد حریفان بخرابات شدم خم می دیدم خون در دل و پادر گل بود

یادآوری ۴- چنانکه دیدیم از اقسام جمله واره های وصفی آنهایی

هستند که موصوفشان واژه مبهم یا اشاریست مانند : آنانکه خاک را بنظر کیمیا

کنند ، آنکه با ما نیست برماست ، کسانی که به ما می پیوندند .
در این مواردگاهی بین صفت و موصوف فعل فاصله میشود مانند «مشک
آنست که ببوید» .

سعدی آن نیست که هرگز ز کمندت بگریزد
که بدانست که در بند تو خوشتر که رهائی
دکتر خیامپور اینگونه جمله « واره راصفت بدلی از کلمات اشاری و
مبهم میداند (۱) در حالی که صفت گرفتن آنها مناسبتر است .

ضمناً اینگونه جمله واره را با پیروهائی که بدل یا تفسیر برای «این» و
«آن» هستند نباید اشتباه کرد با جمله واره هائی نظیر «عقیده من اینست که او
بر نمی گردد» بدل یا تفسیر از «این» است . نه صفت برای او زیرا جمله را
چنین باید تأویل کنید : «عقیده من این امر یعنی برنگشتن اوست» ما بعداً در
این باره در مبحث جمله واره های بدلی سخن خواهیم گفت .

یادآوری ۵- در قدیم گاهی بعد از که توضیحی اومی آورده اند و گروهی تشکیل
میداده اند به صورت «کو» - (که او) که با ضمیر ربطی (۲) فرانسه و انگلیسی شبیه بوده
است . در حالی که در فارسی امروز «که» فقط پیوند است و ما ضمیر ربطی «کو» هم
نداریم . با این ترتیب اگر «کو» را يك كلمه بگیریم باید معتقد شویم که در
در قدیم ضمیر ربطی هم داشته ایم مثال :

هر آنکو تخم کشتن پیشه دارد - بیايد دل بر آن اندیشه دارد (فخرالدین گرجانی)

۱- دستور زبان فارسی ص ۱۱۳ چاپ پنجم تألیف دکتر خیامپور .

2-POronom relatif

در فرانسه ضمیرهای ربطی عبارتند از: LəPuel , dant , qui , que laguelle